

عقلانیت سکولار و عرفی شدن

نسرین هژبری^۱

رقیه نظری (نویسنده مسئول)^۲

چکیده

عصر حاضر، عصر خرد و عقلانیت محسوب می‌شود، اما مسئله‌ای که دنیای امروز با آن مواجه است، جهت‌گیری جوامع بشری به سوی عقلانیت سکولار است. سکولاریسم در ممالک اسلامی به دنبال تهی نمودن اسلام ناب از پشتوانه‌های فکری‌اش می‌باشد و در غرب سبب جدایی بسترهای اجتماعی از دین و اخلاق شده است که منجر به جدا شدن روح اجتماع از ارزش‌ها و تفکرات دینی و اخلاقی گردیده است، لذا سبب غوطه‌ور شدن تمدن غرب در منجلاب فسادهای اخلاقی، سیاسی، اقتصادی و ... شده است و این شروعی برای دچار شدن مدرنیسم به بحران هویت اخلاقی می‌باشد. این نوشتار که به روش تحلیلی، توصیفی بوده و شیوه گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای می‌باشد، در پی دستیابی به مفهوم عقلانیت مبتنی بر دین و فقه و در مقابل عقلانیت سکولار و بررسی تأثیرات آن بر دین و فقه می‌باشد. این مقاله به واکاوی مبانی سکولاریسم و عقلانیت دینی و عقل‌گرایی سکولار و تأثیرات مخرب آن در عرفی شدن دین و فقه پرداخته است. عقل‌گرایی به معنای سکولار آن با حذف خدا و ماوراءالطبیعه، باعث عرفی شدن دین یا فقه شده و در نهایت منجر به حذف دین از زندگی بشر یا محدود شدن آن به تکالیف فردی می‌شود، در نتیجه مقدمات سقوط انسان را به ورطه نیهلیسم فراهم می‌سازد.

کلید واژه‌ها: عقل‌گرایی، سکولاریسم، عرفی شدن، فقه.

۱. مدیر گروه علمی فقه و معارف اسلامی جامعة المصطفیٰ ﷺ العالمیه خراسان، مدرسه خواهران

۲. کارشناسی‌ارشد کلام اسلامی جامعة المصطفیٰ ﷺ العالمیه خراسان

مقدمه

از شاخصه‌های عصر جدید که عصر تکنولوژی و پیشرفت علم شمرده می‌شود، عقلانیت است و آیین اسلام نیز، آیینی خردپسند و عقل‌گراست، اما عقلانی بودن «معارف و عقاید اسلامی» به معنی بی‌نیازی انسان از شرع نیست، زیرا در قلمرو دین برخی مسائل فراتر از عقل است که در عین حال ضد عقل نمی‌باشد.

مسئله‌ای که در عصر حاضر در مواجهه با دین قرار دارد، سکولاریسم و عقلانیت سکولار است. سکولاریسم به معنای کنار گذاشتن آگاهانه دین از صحنه معیشت و سیاست است و سکولار شدن به معنای روی آوردن انسان به دنیا؛ و این توجه به دنیا به قیمت نسیان و از یاد بردن خداوند و آخرت می‌باشد که در همه بسترهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تأثیرگذار است. سکولاریسم بدتر از ضد مذهب است، چرا که در رقابت با مذهب است و می‌خواهد خود به جای دین بنشیند، لذا در این نوشتار برآنیم که به بررسی عقلانیت سکولار بپردازیم و تأثیرات آن در عرفی شدن را تبیین نماییم.

عقلانیت سکولاریسمی بر پایه عقلانیت ابزاری می‌باشد که بر اساس آن زندگی صرفاً با حسابگری‌های مادی اداره می‌شود، لذا در چنین جامعه‌ای اخلاق سودجویانه حاکم شده و از طرف دیگر عنصر گذشت و فداکاری و بخشش و... از میان مردم رخت برمی‌بندد، چرا که تنها انگیزه‌ای که منشأ چنین عناصری می‌تواند باشد، انگیزه دینی یا شبه دینی خواهد بود.

همچنین بر پایه تفکر سکولار والاترین ارزش‌ها برای نظام ارزشی فرد، در رفاه و آسایش زندگی، لذت و خوشی، قدرت و تسلط بر طبیعت و اجتماع و... خلاصه می‌شود. در نتیجه انگیزه‌های منفعت‌اندیشانه که حاصل از تأملات عقل ابزاری است بر انگیزه فرمان‌پذیری از دستورات و احکام دینی فائق می‌یابد و لذا باعث عرفی شدن دین و فقه می‌شود.

تاکنون تحقیقات زیادی درباره سکولاریسم و عقل‌گرایی و عرفی شدن انجام شده است اما با بررسی که صورت گرفت، اثر مستقلى که به تبیین عقلانیتی بر پایه دین و فقه است و در مقابل عقلانیت سکولار بپردازد و تأثیرات مخرب عقلانیت سکولار بر دین و فقه را بررسی نماید، وجود نداشت.

۱. مفهوم‌شناسی

۱.۱. عقل‌گرایی

عقل در لغت به معنای حجر و منع ضد حُمق (ابن منظور، ۴۲۶ق، ج ۳: ۲۷۱۱) و فهم، معرفت و درک می‌باشد. (قرشی، ۱۳۹۰، ج ۷-۶-۵: ۲۸) و در اصطلاح عبارت است از نیرویی که خداوند متعال به انسان‌ها عنایت فرموده، و توسط آن امور کلیه (که محدود به زمان و مکان خاصی نیستند) و قوانین کلی را ادراک می‌کند، از قبیل اجتماع نقیضین محال است و کل از جزء بزرگتر است. (قلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۵۹)

واژه عقل‌گرایی (Rationalism) از ریشه لاتینی Ratio، به معنای عقل، برای اشاره به جهان‌بینی‌های مختلف که مهم‌ترین آنها جهان‌بینی یا برنامه‌ای فلسفی است که بر توانایی عقل برای دریافت حقایق اساسی عالم تأکید دارد. مشهورترین کاربرد عقل‌گرایی در ارتباط با امور دینی یک کاربرد کاملاً منفی است که در آن عقل‌گرایی نشانگر یک نهضت ضددینی و روحانیت ستیز [و برخاسته] از جهان‌بینی عموماً سودگرایانه است که تأکید بر أدله تاریخی و علمی علیه خداپرستی دارد. (ویلیامز، ۱۱۱: ۱۳۷۴-۱۰۹)

۲.۱. سکولاریسم

سکولاریسم در لغت به معنای نظریه‌ای مبتنی بر جدایی سیاست از دین است (انوری، ۱۳۸۱، ج ۵: ۴۲۱۴) و در اصطلاح، ریشه واژه‌هایی چون سکولاریسم و سکولاریزاسیون واژه لاتینی سکیولوم است که در اصل به معنای نژاد و نسل بوده و سپس در معانی مختلفی مانند سده (قرن)، دنیا، این جهانی و بی‌دینی به کار رفته است. شاید بتوان گفت که مشتقات واژه سکولار همواره تداعی گر نوعی توجه و تعلق به «این جهان» بوده و غالباً از مسائلی حکایت کرده‌اند که با امور آن جهانی و مقدس تقابل (و نه لزوماً تعارض) دارد.

سکولاریسم یک ایدئولوژی است که مدافعان آن هرگونه اصالت‌بخشی به امور فراطبیعی را مردود می‌شمارند و اصول غیرمذهبی یا ضدمذهبی را مبنای اخلاق فردی و نظام اجتماعی می‌سازند. سکولاراندیشی ابعادی گوناگون دارد که «جدا انگاری دین و سیاست» تنها یکی از آن‌ها است. (یوسفیان، ۱۳۹۰: ۳۱۵-۳۱۳)

۳.۱. عرفی شدن

معنای لغوی عرف، (بر وزن قفل) به چند معنی آمده است از جمله به معنی معروف و شناخته شده و همچنین به معنی موهای گردن اسب (یال) است و پی‌درپی بودن را به آن تشبیه می‌کنند. (قرشی، ۱۳۹۰: ۳۲۷)

معنای اصطلاحی عرف چنین بیان شده است: شناخته، معروف، روش خاصی را که افراد در مسئله معینی پیروی می‌کنند بدون آنکه در قانون آمده باشد، عرف گویند. (قلی-زاده، ۱۳۹۰: ۲۵۸)

عرفی شدن دین یا فقه به عبارتی اشاره دارد به سپری شدن عمر دین، که دیگر هیچ نقشی در حوزه اجتماع ندارد و سردمداران این تفکر «فروید» و همکارانش بودند. (سبحانی، ۱۳۹۰: ۳۳)

۴.۱. فقه

معنای لغوی فقه: «فهمیدن» (قرشی، همان: ۱۹۷)، «دانش دریافت علم (اکثر استعمال آن در علم دین است)، زیرکی، ادراک، دانایی به احکام شرع». (سیاح، بی‌تا، ج ۲: ۱۵۱۰)

ابن‌اثیر می‌گوید: عرف فقه را اختصاص می‌دهند به علم شریعت که خداوند متعال آن را شرف و منزلت داده و تخصیص دادند به علم فروع شریعت. فقه در اصل به معنای فهم است. (ابن‌منظور، پیشین، ج ۳: ۳۰۶۵)

معنای اصطلاحی فقه:

«فقه در اصطلاح، عبارت است از علم به احکام شرعی فرعی از روی دلیل‌های تفصیلی آن». (مسجدسرای، ۱۳۹۳: ۴۵۷)

فقه در اصطلاح معروف کنونی بر مجموعه قضایایی اطلاق می‌شود که کاشف از حلال و حرام و اعتبارات الهی است؛ قضایایی که با تلاش و اجتهاد «فقیه» از منابع و مستندات شرعی استخراج می‌شود. (علیدوست، ۱۳۸۸: ۶۷-۶۵)

۲. سکولاریسم

«فرآیند مدرنیته مبتنی بر اصول خودبنیاد خویش، اومانیزم، عقلانیت ابزاری، ماتریالیسم روش‌شناختی فردگرایی و سکولاریسم در بستر تاریخی دنیای غرب رخ نمود.» (کرمی، ۱۳۸۸: ۹۷) کلمه «مدرن» (modern) را رومیان برای اولین بار در قرن ششم از روی کلمه (modo) به معنای «به تازگی» ساختند، که در نظر آنان «مدرن بودن» به معنای آگاهی داشتن نسبت به زمانه خود بود. در قرون چهاردهم و پانزدهم نهضت‌هایی فکری سربرآوردند که خود را مدرن می‌دانستند. از آغاز عصر روشنگری با تکیه به اندیشه «پیشرفت»، مفهوم «مدرن» قدرت چشمگیری پیدا کرد. کلمه «مدرنیته» را برای اولین بار بودلر در سال ۱۸۶۳ در مقاله‌ای با عنوان «نقاش زندگی مدرن» به کار گرفت. (جهان‌بگلو، ۱۳۸۶: ۷-۵)

سکولار شدن به این معناست که انسان فقط به دنیا روی آورد و این توجه به دنیا به قیمت نسیان و از یاد بردن خداوند و آخرت می‌باشد که در همه بسترهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... تأثیرگذار است. (حسینی، ۱۳۸۱: ۶۶)

جریان عقل‌گرایی با پشتوانه تفکرات اندیشمندانی همچون دکارت، اسپینوزا و لایبنیتس، منشأ تحولاتی در حوزه فکر و اندیشه غرب می‌باشد. نظریه‌پردازان عقلانیت محور تا جایی پیش رفتند که در نظرشان عقل باید جایگاه وحی و هر ابزار معرفتی دیگر را بگیرد. (حبیبی، ۱۳۹۰: ۳۱) می‌توان سکولاریسم را در حکم خلف صالح عقل خودبنیاد بشری قلمداد کرد. طبق این معنا تمامی مرجعیت‌ها به انسان که تصور می‌شد فرمانروایی چون عقل دارد، سپرده می‌شود و از آنجا که همه بشر به یک میزان از این موهبت الهی برخوردارند، لذا آدمی قادر به برگزیدن راه و روش صحیح خواهد بود و در نتیجه دست یافتن به سعادت توسط تشخیص خود انسان رقم می‌خورد. (حاجیاتی، ۱۳۹۰: ۸۲)

پیدایش و رشد سکولاریسم در فرهنگ و جامعه غربی، مسیحی بوده است و مجموعه عوامل زیر از جمله زمینه‌های پیدایش سکولاریسم می‌باشند:

۱. به لحاظ فلسفی آنچه زمینه پیدایش سکولاریسم بوده است که پس از رنسانس در جهان غرب رواج یافته، فلسفه حسی و تجربی است که قائل است تنها راه شناخت جهان مشاهده حسی و آزمون تجربی است، لذا پذیرش این تفکر فلسفی سبب انکار مفاهیم و آموزه‌های دینی و متافیزیکی خواهد شد. (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۴: ۲۴)

۲. از لحاظ کلامی و الهیات، برخی عقاید که در الهیات مسیحی وجود دارد مانند: تثلیث، گناه جبلی و فدا و... (همان) نیز اینکه کلیسا خدا را در قالب بشری معرفی می‌نمود و نارسایی مفاهیم کلیسا در مورد خدا و ماوراء الطبیعه و ناسازگاری آن با مقیاس‌های علمی، سبب شد دین را از اساس انکار کنند. (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۱: ۴۸۰-۴۷۹)

۳. از لحاظ انسان‌شناسی، نگرش سکولاریستی بر اساس انسان‌شناسی مادی‌گرا شکل گرفته است، لذا در چنین نگرشی علم تجربی که به رشد رسیده است، در شناخت انسانی که خلاصه در وجود جسمانی شده است و وضع نمودن قوانینی که تأمین‌کننده نیازهای زندگی و سعادت انسان باشد، کفایت می‌کند. (ربانی گلپایگانی، همان: ۵۱)

۴. از جنبه منابع اولیه دینی در کتاب مقدس مسیحیان، قوانینی که خطوط کلی برنامه‌های زندگی را ترسیم نماید، یافت نمی‌شود. بدین سبب اندیشمندان جامعه برای اداره جوامع به قوانین عقلی و تجربی روی آوردند.

۵. به لحاظ تاریخی مسیحیت در نخستین دوره حیات خود، تشکیل حکومت نداد و در مدیریت جامعه دخالتی نمی‌کرد، اما قرن‌ها بعد که کلیسا اقتدار یافت، در اندیشه تشکیل حکومت افتاد و مدتی پس از مشارکت در اداره جامعه، تبدیل به قدرت سیاسی بدون رغیب شد.

۶. از جهت اجتماعی، کلیسا پس از تسلط یافتن بر ابعاد سیاسی جامعه مسیحی، از لحاظ اخلاقی و سیاسی و اقتصادی دچار انحراف شد که این انحرافات نقش مهمی در تخریب چهره دین داشت و سرمنشأ قیام علیه حکومت مسیحی گردید. (همان: ۲۵-۲۴)

از جمله فسادهای کلیسا فروختن آمرزش‌نامه و حراج بهشت توسط کشیشان بود؛ به این معنا که افراد گنهکار با خریدن آمرزش‌نامه، از گناهانشان پاک می‌شدند که این سنت غلط باعث خشم دانشمندان گردید. (سبحانی، ۱۳۸۶: ۲۷۶)

۷. کلیسا با هر نوع علم و حرفه‌ای که غیردینی و غیر ارسطویی بود، مخالفت کرده و قائل بودند دارندگان آنان ملحد و کافرند. محاکمه گالیله نشان‌دهنده چهره تاریک کلیسا در مقاومت در برابر دانش و علوم است. (همان: ۲۷۸-۲۷۷)

ویل دورانت می‌نویسد:

محکمه تفتیش عقاید، قوانین خاص خود را داشت. از مردم می‌خواست که ملحدان، بی‌دینان و بدعت‌گذاران را به محکمه تفتیش معرفی نمایند و آن‌کس که رسوا نمی‌ساخت، ممکن بود که او را طوری ببندند که نتواند حرکت کند و آن‌گاه چندان آب در گلویش بچکانند که به خفگی افتد یا طنابی بر اطراف بازوان و ساقهایش ببندند و چندان محکم کنند که در گوشت‌های تنش فرو رود و به استخوان برسد. (مطهری، همان)

در نتیجه غربی‌ها نوعی بدبینی و تنفر نسبت به حاکمیت دین بر سرنوشت اجتماع بشری پیدا کردند، چرا که ثمره چنین حاکمیتی از دست دادن بسیاری از ارزش‌ها و موهبت‌های والای بشری همچون، علم، تعقل و آزادی اندیشه بود. (حاجیان، ۱۳۹۰: ۷) شاخصه‌هایی که در سکولاریسم وجود دارد، انعکاسی از عکس‌العمل‌ها و رفتارهای سردمداران کلیسا است که به نام مسیحیت انجام می‌شد.

۲.۱. مبانی فکری سکولاریسم

۲.۱.۱. هستی‌شناختی مادی

در سطح انتولوژی (هستی‌شناسی)، این جهان تنها جهان موجود است که بشر باید متوجه به آن باشد؛ در این زمینه «توریت» (قدرت و نفوذ مادی یا معنوی) و حاکمیت امور ماورای مادی و خداوند نفی و در زمره خیالات و موهومات پنداشته می‌شود. از جمله دیدگاه‌های هستی‌شناختی سکولاریسم، نادیده گرفتن یا انکار جهان دیگر و موجودات ماورایی و تأثیرگذاری آنان بر این جهان است، لذا هیچ عامل اثرگذاری بر موجودات عالم دنیا، خارج از این جهان وجود ندارد و یا در صورت وجود منشأ اثر نیست و نیز راز زدایی و افسون‌زدایی از جهان به معنای طرد کردن یک دسته از عوامل ظاهراً خیالی است که سبب حاکم ساختن معنا و راز بر دنیای محسوس می‌شود. (امیدی، ۱۳۹۰: ۳۵۴-۳۵۳)

۲.۱.۲. انسان‌شناختی (اومانیزم)

وجود انسان در این دیدگاه مستقل از خدا انگاشته می‌شود و در مورد تأثیرگذاری و دخالت امور ماورائی در سرنوشت انسان، هرگونه اثرگذاری این امور را انکار و یا نادیده می‌انگارند، لذا مبنای انسان‌شناسی سکولاریسم، بر پایه استقلال و خودبستگی انسان

است. بر اساس این دیدگاه، محور همه چیز و خالق تمام ارزش‌ها انسان است و اخلاق و فضیلت ماورایی جدای از انسان وجود ندارد و یا در فرض وجود، حجتی ندارد. عقل نیز به تنهایی قابلیت تعیین حسن و قبح را داراست و لذا برای این امور انسان نیازی به تعالیم ادیان و وحی ندارد. (همان: ۳۵۵-۳۵۴)

بر اساس تفکر اومانیستی انسان خود، به جای خدا می‌نشیند و تمام امور عالم را در سلطه خود در می‌آورد. در اومانیسم، انسان در رابطه با خدا، معبود او محسوب نمی‌شود که لازمه آن پیروی از دستورات و امر و نهی‌های الهی باشد. اومانیسم و فردگرایی روح «منفعت‌طلبی» و «لذت‌جویی» را تقویت کرده و لذت و درد ملاک حسن و قبح افعال شمرده می‌شود. لذا از ثمرات این تفکر، انحطاط اخلاقی و سست شدن ارزش‌ها خواهد بود. (ونکی فراهانی، ۱۳۸۷: ۴۱-۴۰)

۲. ۱. ۳. علم‌گرایی

واژه علم‌زدگی^۱ [ساینیتیسم]، با تعابیری همچون فروکاهش مفرط^۲ یا اصالت فیزیک^۳ نیز به کار می‌رود. بر اساس اصالت علم، گزاره‌ها تنها به اندازه‌ای که با کمیات یا امور واقع تجربی ارتباط و پیوند دارند، صادق هستند و محتوایشان حقیقی است. علم‌زدگی با هر دینی که شاکله ماورای طبیعی معناداری دارد - فارغ از داشتن ادعای وحیانی بودن - سبب ایجاد تعارض می‌شود. (الیاده، ۱۳۸۹: ۳۸۸)

در عصر نوزایی، علم پیشرفت سریع و چشمگیری کرد و باعث شد توجه زیاد غربی‌ها را به سوی خود جلب نماید. (جوادی آملی، ۱۳۷۶: ۳۴-۳۳) در آغاز پیشرفت علم، تضادی با دین ایجاد نمود، اما پس از مدتی اوضاع دگرگون شد، تا جایی که برخی نیوتن را تا نزدیکی پرستش ستایش کردند. این شیفتگی بشر نسبت به علم منجر به کم‌رنگ شدن دین شد و در نتیجه باعث شد که رهبری دین در حوزه مسائل اجتماعی به کنار گذاشته شود و رفته‌رفته تفکر جدا انگاری دین و دنیا مطرح شود (همان: ۳۵-۳۴) و با پیشرفت علوم و کشف راز بسیاری از مجهولات، احساس بی‌نیاز شدن از خدا به وجود آمد. (شجاعی زند، ۱۳۸۳: ۴۰)

^۱. Scientism

^۲. Reductionism

^۳. Physicalism

۲. ۱. ۴. عقل‌گرایی

عقل‌محوری عصر مدرنیته، به این معنا نیست که عقلانیت نهفته در حقیقت امور کشف شود، بلکه عقل این ادعا را دارد که می‌تواند قضاوت نموده و منازعات بشر را حل کند و نیز مستقل از وحی و تعالیم الهی، توانایی اداره زندگی بشر را دارد. به گفته کنت، بشر از دوران طفولیت، رسته و دیگر نیازی به تعالیم الهی ندارد. از نتایج عقل‌گرایی، دین‌ستیزی بود و از قرن هجدهم به بعد در غرب، عقلانیت ضد دین معرفی می‌شد. (نوروزی، ۱۳۹۳: ۸۴-۸۳)

در جامعه مدرن دین از زندگی بشر حذف شده و به جای آن عقلانیت و خرد برای سامان‌دهی به زندگی بشر مورد استفاده قرار می‌گیرد. ماکس وبر «عقلانیت» را به عنوان مهم‌ترین شاخصه جامعه سکولار مدرن می‌داند. (امیدی، همان: ۳۶)

بنیانگذاران مدرنیته قائل بودند که خرد انسانی، به تنهایی و بدون استفاده از هیچ منبع بیرونی، توانایی شناخت راستی و درستی اشیاء و اعمال را دارد و تعقل انسان را منحصر در «عقلانیت ابزاری» دانست. (سبحانی، همان: ۷۴-۷۳)

از آنجایی که سیطره عقلانیت ابزاری (که همان عقلانیت فنی و تکنیکی است که در جهت رسیدن به هدف مادی محاسبه‌گری می‌کند) شاخصه دنیای غرب است، لذا عرفی شدن جزو واقعیت‌های جامعه غربی می‌باشد. بر این اساس دیگر برای عقلانیت ارزشی و رفتارهای اجتماعی ناشی از این نوع عقلانیت، جایی باقی نمی‌ماند. در چنین جامعه‌ای هدف رسیدن به سود مادی است و ارزش‌ها اهمیتی ندارند.

در این شکل از عقلانیت، حتی از دین صرفاً در چارچوب سودآوری مادی استفاده می‌نمایند. مسئله‌ای که برای نظریه‌پردازان عقلانیت ابزاری اهمیت دارد این است که آیا فرد با ورود در مذهب به سود کافی دست می‌یابد یا نه؟ (نعیمیان، ۱۳۹۷: ۷۰۸-۷۰۷)

۲. ۱. ۵. معرفت‌شناسی

محوری‌ترین مبنای سکولاریسم، دیدگاه خاص معرفت‌شناختی در حوزه جهان و انسان است. بر اساس این نوع دیدگاه امکان شناخت و معرفت به جهان هستی و موجودات بدون هرگونه علل و عوامل ماورای طبیعت وجود دارد.

بر مبنای سکولاریسم خارج از ملاک‌های عقل بشر هیچ ارزش مطلق و ثابت و کلی وجود ندارد و برای عرضه این نوع ارزش‌ها و معیارها، وجود اخلاقی آدمی و ادراکات او

را کافی می‌دانند و قائل هستند که هیچ گونه ارزش الهی یا امور قدسی در عالم هستی نیست. در حالی که دین قائل به محدوده وسیعتری از شناخت (حسی و فراحسی در عالم شهود و عالم غیب) است و پیروی از شناخت‌هایی که از ارتباط با امور فراتر از جهان مادی به دست می‌آید را لازم می‌داند. (امیدی، پیشین: ۳۶۰-۳۵۹)

۲.۱.۶. آزادی و تساهل

آزادی از ذاتیات انسان است، چرا که انسان آزاد و مختار خلق شده است. جان لاک، حکیم انگلیسی می‌گوید: آزادی انسان در طبیعت، آن است که قدرتی بالاتر بر روی زمین بر او فرمانروا نباشد و نیز زیر سلطه هیچ اراده و تابع قانونی نباشد... (شجاعی، ۱۳۹۰: ۵۹-۶۰)

منظور از آزادی فرد بر شخص انسانی واحد تکیه دارد. فرد باید حق انتخاب کردن عقاید خویش را و ابراز آن برای دیگران و عمل نمودن بر اساس آن را داشته باشد و در تمام این‌ها آزادی داشته باشد، البته تا جایی که با حقوق دیگران و قوانین سازگاری داشته باشد. (آربلاستر، ۱۳۹۱: ۸۷-۸۶)

از دیدگاه لیبرالیسم، اعتقادات فقط مسئله‌ای شخصی و فردی است و نیازی به پشتوانه اعتقادی ندارد، لذا بر پایه این دیدگاه در بحث تساهل میان دو حوزه عقل و وحی تفاوتی قائل نیستند. انسان‌شناسی لیبرالیسم نیز به عبارت دیگر مدارا و تسامح است، زیرا این مکتب توجهی به کمال انسان ندارد و هر انسانی می‌تواند هر کاری را که لازم بود برای رسیدن به آرزوهایش انجام دهد. بنابراین در نظر آنان هیچ کسی نباید حساسیتی در رابطه با عقیده‌ای خاص داشته باشد. بر پایه لیبرالیسم هویت انسان، اندیشه و عقاید او نمی‌باشد، بلکه آزادی و تمایلات فرد را جزء هویت انسان می‌دانند. (شجاعی، همان: ۶۳)

۲.۱.۷. فردگرایی

زائل شدن توجه انسان از ماورای طبیعت و گرایش یافتن وی به دنیا، منجر به دنیوی شدن فرد می‌شود. بر این اساس اندیشه، عواطف، تمایلات و رفتار فردی از وابستگی به ماورای طبیعت آزاد و رها می‌گردد. در پی آن آدمی از ساحت قدسی خویش سقوط کرده و به وسیله عقل ابزاری خویش، صرفاً در پی برآوردن نیازهای دنیوی خویش می‌باشد، لذا تعصبات دینی و حساسیت‌های مسلکی از بین رفته و افراد به دلیل از بین رفتن

اعتقادشان به حقانیت و اثربخش بودن آموزه‌های دینی، در عمل به دستورات دینی به سستی می‌گیرند. (نوروزی، همان: ۷۷-۷۶)

مفهوم «فردگرایی»، فرد را «واقعی» تر یا بنیادی‌تر می‌داند و قائل هستند فرد از هر لحاظی بر جامعه مقدم است، حقوق و خواسته‌های او نیز از جهت اخلاقی مقدم بر دیگران می‌باشد. (آربلاستر، همان: ۲۰-۱۹)

فردگرایی افراطی در اندیشه لیبرال به گونه‌ای است که از عواطف مشترک انسانی، نوع‌دوستی‌ها، همدلی‌ها، خیرخواهی‌ها و صرف نظر کرده و با نگاه بدبینانه‌ای صرفاً به تمایزها، جدایی‌ها و بیگانگی‌ها توجه دارد. (جمعی از مترجمان، ۱۳۸۶: ۱۴)

۲.۱.۸. نسبیت‌گرایی

نسبیت‌گرایی شاید مؤثرترین قسمت الگوی سکولاریزاسیون باشد که بیش از همه نیز مورد غفلت واقع شده است. زندگی کردن در جهانی که باورهای ناهمساز را به یکسان دارای اعتبار می‌داند، بدون فرض اینکه حقیقت واحدی وجود ندارد، سخت است. تغییرات در سطح ساختاری و فرهنگی بستری شده برای دگرگونی در نشاط دینی که نشانه‌های آن به صورت دو کاهش است؛ کاهش تعداد افرادی که اعتقاد به باورهای دینی داشتند و نیز کم شدن حس مسئولیت و تعهد نسبت به آن باورها و به صورت اختصار می‌توان گفت که فردگرایی، تکثر و برابری‌خواهی در بستر دموکراسی لیبرال، باورهای دینی را از حالت اقتدار به زیر می‌کشاند. (سعیدی، ۱۳۹۶: ۱۰۹-۱۰۸)

عصری‌سازی که تلاشی در جهت ایجاد سازش نسبت به دین با دنیای جدید است، سبب راه‌یابی انواع متجددانه از دین می‌شود که ثمره راهیابی قرائت‌های گوناگون دینی برای ایجاد سازگاری با وضعیت متغیر، پذیرش و ترویج تکثر در کشف از حقیقت دین است و این نسبی‌گرایی در کشف، خیلی زود به حقیقت دین نیز راه می‌یابد و بالاخره از دین چیزی باقی نخواهد گذاشت. تکثرگرایی که خود نتیجه «عرفی شدن فرد» و «عرفی شدن دین» است، «جامعه» را هم به سمت عرفی شدن سوق می‌دهد. (شجاعی زند، همان: ۵۴)

۳. تأثیر عقلانیت سکولار در عرفی شدن

آیین اسلام، باتوجه به گواهی آیات و روایات، یک آیین خردپسند و عقل‌گراست و همان‌گونه که همراه بودن اصول و فروع آن با استدلال‌های عقلی این مسئله را نشان می‌دهد. (سبحانی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۱۵)

عقل معیار و منبع استخراج آموزه‌های دینی است و نیز ملاک درستی یا نادرستی گزاره‌های دینی می‌باشد. عقل در عرصه‌های مختلف از قبیل فقه، اخلاق، معارف و عقاید منبع و معیار دین قرار می‌گیرد و آموزه‌های دین را از کتاب و سنت استخراج و کشف می‌کند. (قدردان قراملکی، ۱۳۹۴: ۴۷)

عقلانی بودن «معارف و عقاید اسلامی» به معنی بی‌نیازی انسان از شرع در این گستره نیست، زیرا در قلمرو دین مسائلی وجود دارد که خرد انسان یارای درک آن را ندارد و فراتر از عقل می‌باشد، اما در عین حال گزاره‌های آن ضدعقل نمی‌باشد.

آنچه مهم است این است که اصول اسلام، و نبوت و وحیانی بودن قرآن با استدلال و برهان و دلایل قطعی ثابت گردد. در این صورت کلیه گزارشات وحیانی، حالت عقلانی پیدا می‌کنند، چرا که با دلیل اجمالی همراه هستند. (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۳: ۲۵۰-۲۴۹)

دلیل عقلی این گونه است که هرگاه انسان با مراجعه به عقل خویش، در انجام کاری مصلحت تام مشاهده کرد، عقل عملی به لزوم انجام دادن آن حکم می‌کند، چنان‌که وقتی در پدید آمدن عملی مفسده کامل دید، بی‌شک عقل عملی به لزوم ترک آن حکم می‌دهد. علاوه بر این، عقل این را هم درک می‌کند که هر قانونگذار مصلحت‌اندیش و حکیم باید به لزوم انجام دادن فعل واجد مصلحت و ترک فعل واجد مفسده حکم کند. (عرب صالحی، ۱۳۹۳: ۱۴۲)

عقل‌گرایی بدین معنا نه تنها منجر به عرفی شدن دین و فقه نمی‌گردد، بلکه انسان را در جهت شناخت دین و کشف احکام شرعی یاری می‌دهد.

درست است که از سویی برای دست یافتن به فهم صحیحی از دین نیاز به کاراندازی عقل و عقلانیت وجود دارد، چه اینکه عقل‌گریزی و تفسیرهای غلط دین سبب افتادن آدمی در دام افراط و تفریط است، لذا نباید گستره فهم دین را آن چنان بسته پنداشت که منجر به تحجر و تعصبات نابه‌جا گردد، اما از سویی دیگر نباید به اندازه‌ای باز اندیشید

که سبب قرائت‌های غلط از دین شود، بلکه باید جانب اعتدال را رعایت کرد تا به فهم صحیحی از حقیقت دین دست یافت. (حسینی، ۱۳۸۱: ۲۹)

برخی از خردگرایان دین‌ستیز، عقیده دارند معارف وحیانی بیهوده است، زیرا عقل را برای رسیدن به سعادت کافی می‌دانند و قائل هستند با وجود هدایتگری عقل دیگر احتیاجی به دین نیست. (یوسفیان و شریفی، ۱۳۸۲: ۶۲)

عده‌ای از روشنفکران قائل‌اند بر اینکه میان عقلانیت (استدلال‌گرایی) و تعبد تضاد وجود دارد و از طرفی استدلال‌گرایی را از شاخصه‌های مدرنیته می‌دانند، لذا بنابر عقیده آنان لازمه رو آوردن به تربیت عقلانی در دنیای متجدد و مدرن امروز، کنار گذاشتن تعبد به طور کامل است. بر این اساس چنین کسانی سخن هیچ کسی را بدون دلیل نمی‌پذیرند، خواه انسان عادی باشد یا پیامبر و امام. (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۹، ج: ۱، ۹۵)

عقل‌گرایی به عنوان شاخص‌ترین عوامل عرفی شدن محسوب می‌شود. عقلانیتی که در اینجا مد نظر است، عقلانیت ابزاری است که از ابتکارات ماکس وبر می‌باشد. از دیدگاه وی در مسئله عرفی شدن عقلانیت ابزاری به جای عقلانیت ارزشی غلبه می‌یابد. (گلستانی، ۱۳۸۸: ۶۹)

عقلانیت عصر جدید، علاوه بر ریشه‌هایش در عصر خرد و جریان روشنگری، پیشینه کهن‌تری در عصر باستان دارد، اما ویژگی‌های مهمی که به عقیده وبر اصلی‌ترین شاخصه عصر جدید هست، این پدیده را از پیشینه‌های بعید آن جدا می‌سازد، از جمله:

- بی‌اعتمادی به سنت‌ها (تشکیک و تردید در باورهای کهن)
- بی‌اعتباری شرایع دینی (اعتقاد به بی‌نیازی بشر از هدایت‌های آسمانی در اداره جامعه بشری)

- خودبستگی انسان (کفایت عقل بشری در حل مشکلات انسان)
 - اقتناع به نقش ابزاری عقل (انصراف از عقل حقیقت‌جو به عقل کارآمد)
- وجود این خصوصیات در عقلانیت عامل مساعدی برای عرفی کردن فرد و جامعه و حتا دین شده است. (شجاعی زند، پیشین: ۶۷-۶۶)

راسیونالیسم (عقل‌گرایی) در فرهنگ آکسفورد به این صورت تعریف شده است: «تئوری‌یی که بر آن است تا همه رفتارها و عقاید و مانند آن باید بر خرد استوار شود نه بر احساسات یا عقاید دینی».

ویل دورانت کنار گذاشته شدن خداوند در غرب را در سه مرحله بیان می‌دارد:

اولین مرحله، گونه‌ای از شریعت است که بر پایه آن، عقل و وحی قادر به دستیابی به حقایق بنیادین مشترکی هستند. مرحله دوم، در واقع به گونه‌ای رونق یافتن خداپرستی طبیعی (دئیسم) بود که انگار خداوند انسان و دنیا را آفریده و پس از آن اداره هستی را به دست انسان داده است. مرحله سوم، مرحله‌ای است که وجود خدا را از اساس انکار می‌کنند، دوره‌ای که نماینده آن، کسانی چون هولباخ، دیدرو، هیوم و... هستند. (رهدار، ۱۳۹۳: ۷۵۳-۷۵۲)

در دیدگاه وبر عقلانیت در روابط اجتماعی‌یی که جامعه را شکل می‌دهد تجلی می‌یابد. پایه و اساس تعلق یافتن به گروه و انگیزه اعمال اجتماعی در جامعه نشئت گرفته از منفعت‌طلبی، سودجویی و عقلانیت می‌باشد. تونس نیز عقیده دارد که رابطه اجتماعی قراردادی در جامعه مدرن مبتنی بر «اراده عقلانی» استیلا می‌نماید که همراه با سازمان اجتماعی گزشتافت می‌باشد. اساسی‌ترین خصوصیت گزشتافت، فردگرایی، سودطلبی و منفعت‌طلبی می‌باشد که عینیت یافتن آن در جامعه شهری، صنعتی، سرمایه‌داری، دموکراتیک و علمی می‌باشد. جامعه‌ای که در آن برای پیوند دادن و ایجاد ارتباط بین نسل‌ها هیچ گونه احساس مشترکی وجود ندارد و وسیله‌ای که برای تعریف روابط بین افراد عنوان شده است، قرارداد می‌باشد. (فصیحی، ۱۳۸۹: ۸۷)

عقلانی شدن در حوزه اخلاق بدین گونه بود که هنگامی که حسن و قبح عقلی یا ذاتی شناخته شد و بر حسن و قبح شرعی خط بطلان کشیدند، بستری مساعد برای بی‌نیاز دانستن اخلاق از خداوند و جدا انگاشتن اخلاق از دین آماده شد. از این رو ملاک ارزش‌گذاری‌ها، بر پایه تشخیص عقل انسانی است، نه امر و نهی الهی و بر این اساس بستری آماده می‌شود که دیگر رعایت قوانین اخلاقی به خاطر خواست خدا نباشد، بلکه بخاطر خودشان و تشخیص حسن و قبح عقلی باشد. (سعیدی، پیشین: ۷۱-۷۰)

لذا با توجه به مسائلی که بیان شد، عقل‌گرایان سکولار هر مسئله‌ای را با عقل خویش می‌سنجند؛ اگر در نظرشان عقلانی بود، می‌پذیرند در غیر این صورت بنا بر مصلحت-سنجی عقلشان عمل خواهند کرد. به طور مثال اگر دلیلی عقلانی و قانع‌کننده برای حرمت موسیقی و رقص و حجاب و... یافتند، طبق آن عمل می‌کنند و گرنه از عمل طبق این احکام رویگردان خواهند شد. از دیگر نمونه‌های عقلانیت سکولار می‌توان به این مسئله اشاره نمود که جایگاه ائمه اطهار (علیهم‌السلام) را تنزل داده و نزدیک به سطح علما و

انسان‌های معمولی می‌نمایند و به جای اطاعت از آن سرچشمه‌های طهارت و پاکی، از عقول خود که همراه با هوای نفس است پیروی می‌کنند.

نتیجه‌گیری

در اسلام عقلانیت جایگاه والایی دارد تا آنجا که از منابع استخراج آموزه‌های دینی و در واقع ملاک درستی یا نادرستی آن‌ها است، اما این به معنای بی‌نیازی از شرع نیست، زیرا در قلمرو دینی برخی مسائل وجود دارد که فراتر از عقل می‌باشد. مسئله‌ای که در عصر حاضر (که عقلانیت از شاخصه‌های مهم آن است) مطرح است، رواج یافتن عقلانیت سکولار است. بر پایه این تفکر، با اتکاء به عقل خودبنیاد بشری و به صورت مستقل از وحی و تعالیم الهی، می‌توان زندگی بشر را اداره کرد. در جامعه مدرن دین از زندگی بشر حذف گردیده و عقلانیت به عنوان جانشین دین برای سامان‌دهی به زندگی بشر می‌باشد. سکولاریسم بر پایه‌های فکری خود، از جمله هستی‌شناختی مادی، اومانیزم، عقل‌گرایی، آزادی و تساهل، فردگرایی و... شکل گرفته است.

سکولاریزم به معنای جدایی دین از متن جامعه و منحصر شدن آن در خانه و مسجد می‌باشد؛ به گونه‌ای که دین نه تنها نقشی در قانون‌گذاری و اجرای احکام الهی نداشته باشد، بلکه در یک رابطه معنوی فردی با خدای جهان خلاصه شود.

عقل‌گرایی به عنوان شاخص‌ترین عوامل عرفی شدن محسوب می‌شود و این نوع عقلانیت، عقلانیت ابزاری است. عقل‌گرایان افراطی قائل به کفایت عقل برای سعادت بشر هستند و در نظر آنان اساساً بشر هیچ نیازی به دین، خدا، وحی و... ندارد. در نتیجه با فاصله گرفتن بشر از دین، سبب غوطه‌ور شدن آنان در منجلا ب فسادهای اخلاقی، سیاسی، اقتصادی و... می‌شود.

منابع و مأخذ:

- الأفریقی المصری، جمال الدین محمد بن مکرم ابن منظور (۱۴۲۶ق/ ۲۰۰۵م)،
لسان العرب، ج ۳، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

- انوری، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۵، تهران: سخن.
- آریلاستر، آنتونی (۱۳۹۱)، لیبرالیسم غرب ظهور و سقوط، ترجمه عباس مخبر، ج ۵، تهران: نشر مرکز.
- سبحانی، محمدتقی (۱۳۹۰)، آیین عرفی (جستارهایی انتقادی در بنیادهای سکولاریسم)، به اهتمام مهدی امیدی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- بنی‌هاشمی، محمد (۱۳۸۶)، درآمدی بر تربیت عقلانی، به قلم سعید مقدّس، ج ۱، تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.
- جمعی از مترجمان (۱۳۸۶)، جامعه‌گرایان و نقد لیبرالیسم: گزیده اندیشه‌های سندل، مک اینتایر، تیلور، والزر، ج ۲، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- نعیمی‌ان، ذبیح‌الله (۱۳۹۷)، غرب‌شناسی انتقادی مسلمین، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵)، دین‌شناسی، ج ۴، قم: مرکز نشر اسراء.
- _____ (۱۳۹۱)، نسبت دین و دنیا: بررسی و نقد نظریه سکولاریسم، قم: مرکز نشر اسراء.
- جهان‌بگلو، رامین (۱۳۸۶)، مدرن‌ها، ج ۴، تهران: نشر مرکز.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۰)، تأملات جامعه‌شناختی درباره عرفی شدن: نظریه‌های عرفی شدن از فراز تا فرود، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- حبیبی، رضا (۱۳۹۰)، غرب‌شناسی: مبانی معرفت‌شناختی و روش‌شناختی مدرنیته، زیر نظر سیداحمد رهنمایی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه.
- حسینی، محمدعارف (۱۳۸۱)، رویارویی تمدن اسلامی و مدرنیته: بررسی نظریات مختلف در رویارویی تمدن اسلامی و تمدن غرب، قم: انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی.
- ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۸۴)، ریشه‌ها و نشانه‌های سکولاریسم، تهران: کانون اندیشه جوان.

- رهدار، احمد (۱۳۹۳)، غرب‌شناسی علمای شیعه در تجربه ایران معاصر، ج ۲، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۴)، عرفی شدن دین، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- _____ (۱۳۸۲)، مدخل مسائل جدید در علم کلام، ج ۱، ج ۲، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۳)، مدخل مسائل جدید در علم کلام، ج ۳، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۶)، مسائل جدید کلامی، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- سبحانی، محمدتقی (۱۳۸۵)، مروری بر سنت و سکولاریسم (مصطفی ملکیان، مجتهد شبستری، عبدالکریم سروش)، تهران: نشر و پژوهش معناگرا.
- سعیدی، محمد مسعود (۱۳۹۶)، تبیین نظری سکولاریسم در جامعه ایران معاصر، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- سعیدی، محمد مسعود (۱۳۹۵)، مطالعه جامعه‌شناختی رابطه اسلام شیعی و مردم‌سالاری، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- سیاح، احمد (بی‌تا)، فرهنگ بزرگ جامع نوین (عربی به فارسی)، ج ۲، تهران: انتشارات اسلام.
- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۳)، عرفی شدن در غرب مسیحی و شرق اسلامی، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- شجاعی، مهدی (۱۳۹۰)، هویت دینی و آموزه‌های چالش برانگیز معاصر، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- عرب صالحی، محمد (۱۳۹۳)، مجموعه مقالات عقل شیعی و عقل نو اعتزالی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۸)، فقه و مصلحت، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- فصیحی، امان الله (۱۳۸۹)، تحلیل کارکردهای دین در جامعه سنتی و مدرن، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی / پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام.
- قدردان ملکی، محمدحسن (۱۳۸۶)، پاسخ به شبهات کلامی؛ دفتر دوم: دین و نبوت، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- قرشی بنایی، علی اکبر (۱۳۹۰)، قاموس قرآن، ج ۱۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- _____ (۱۳۵۲)، قاموس قرآن، ج ۷-۶-۵، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قلی‌زاده، احمد (۱۳۹۰)، فرهنگ اصطلاحات اصول فقه، قم: تحسین.
- کرمی، سعید (۱۳۸۸)، سکولاریسم (خواستگاه، مبانی و مؤلفه‌ها)، تهران: امیرکبیر.
- گلستانی، صادق (۱۳۸۸)، نقد و بررسی نظریه عرفی شدن در ایران، قم: انتشارت مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله.
- مسجد سرائی، حمید (۱۳۹۳)، ترمینولوژی فقه: اصطلاح‌شناسی فقه امامیه: به انضمام فهرست تفصیلی احکام مربوطه، ج ۲، تهران: روایت نو.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱، تهران: قم، صدرا.
- میراحمدی، منصور (۱۳۹۰)، سکولاریسم اسلامی (نقدی بر دیدگاه روشنفکران مسلمان)، ج ۲، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- نوروزی، محمدجواد (۱۳۹۳)، نقد و ارزیابی عرفی‌گرایی در جمهوری اسلامی ایران، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ونکی فراهانی، محمد (۱۳۸۷)، گذری بر اندیشه دینی در غرب، ج ۲، قم: دفتر عقل.
- میرچا الباده (۱۳۸۹)، دین‌پژوهی، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- ویلیامز، برنارد (۱۳۷۴)، عقل گرایی، ترجمه محمد تقی سبحانی، نقد و نظر، س ۱، ش ۲، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم.
- یوسفیان، حسن (۱۳۹۰)، کلام جدید، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی؛ ج ۳، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
- یوسفیان، حسن و احمد حسین شریفی (۱۳۸۲)، عقل و وحی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ اندیشه اسلامی.

